



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوبه‌ها شیخ محمد صالح المنجد حفظه الله تعالى

موضوع:

۱. احکام؛ قصاص و دیات
۲. احکام؛ مشاغل و مکاسب حرام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرسش

نویسنده: علی طاهری

تاریخ: ۱۳۹۵/۵/۱۷

نظر اسلام در خصوص سقط جنین چیست؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۵/۵/۲۶

سقط جنین پس از پیدایش روح در آن، به طور قطع حرام است و از گناهان بزرگ محسوب می‌شود؛ زیرا در چنین حالتی به منزله‌ی قتل نفس است که خداوند درباره‌ی آن فرموده است: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾^۱؛ «و نفسی که خداوند محترم داشته است را جز به حق نکشید، این چیزی است که شما را به آن وصیت می‌کند، باشد که تعقل کنید»؛ خصوصاً هرگاه از بیم فقر و با انگیزه‌ی جلوگیری از افزایش هزینه‌های زندگی باشد؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا﴾^۲؛ «و فرزندان خود را از بیم فقر نکشید، ما آن‌ها و شما را روزی می‌دهیم، بی‌گمان کشتن آن‌ها گناهی بزرگ است».

اما آیا سقط جنین پیش از پیدایش روح در آن نیز حرام است؟ حق این است که آری؛ زیرا در چنین حالتی به منزله‌ی اتلاف بذر یا جوانه‌ی کشت است که ظلم و اضرار به مالک محسوب می‌شود و جایز نیست؛ مگر آنکه ضرورتی شرعی برای این کار وجود داشته باشد و آن همانا حفظ مادر از مرگ یا بیماری کشنده‌ای است هرگاه جز با سقط جنین ممکن نباشد؛ با توجه به سخن خداوند که فرموده است: ﴿وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾^۳؛ «و خود را با دست خود به هلاکت نیندازید» و فرموده است: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾^۴؛ «و خود را نکشید،

۱. الأعمام / ۱۵۱

۲. الإسراء / ۳۱

۳. البقرة / ۱۹۵

۴. النساء / ۲۹

هرآینه خداوند با شما مهربان است»؛ همچنانکه حفظ مادر از عسر و حرج در مواردی که جنین دچار معلولیت شدید ذهنی یا حرکتی است، می‌تواند ضرورتی شرعی محسوب شود؛ با توجه به سخن خداوند که فرموده است: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ»^۱؛ «خداوند برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما سختی نمی‌خواهد» و فرموده است: «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ»^۲؛ «خداوند نمی‌خواهد که برای شما در دین تنگنایی قرار دهد».

آری، سقط جنین پس از پیدایش روح در آن، اگرچه برای حفظ مادر از مرگ یا بیماری کشنده‌ای باشد، محل اشکال است؛ زیرا حفظ جان خود با گرفتن جان دیگری جایز نیست، مگر آنکه دیگری متعدی محسوب شود؛ با توجه به اینکه دفاع از جان خود در برابر متعدی عقلاً و شرعاً جایز است، ولی آیا جنینی که جان مادر را تهدید می‌کند، متعدی محسوب می‌شود؟ در این باره دو احتمال است: یکی آنکه متعدی محسوب نمی‌شود؛ زیرا متعدی بر کسی اطلاق می‌شود که سوء قصد دارد، در حالی که جنین فاقد قصد است و با این وصف، نمی‌توان آن را متعدی دانست و دیگری آنکه متعدی محسوب می‌شود؛ چراکه برای صدق عنوان متعدی، سوء قصد شرط نیست، بلکه سوء فعل به معنای تحقق مصداق تعدی کافی است؛ مانند جایی که دیوانه‌ای حمله می‌آورد یا غافل راه تنفس را می‌بندد و حفظ جان خود جز با کشتن او ممکن نیست و قهراً نمی‌توان به خاطر عدم سوء قصد او، تن به مرگ داد! آری، در چنین حالتی مادر نیز نسبت به جنین متعدی محسوب می‌شود و کشتن او از باب دفاع جایز است، ولی برای جنین و نه برای دیگران؛ زیرا کشتن مادر برای دیگران در چنین حالتی ترجیح بلا مرجح است که جایز نیست. این به معنای آن است که بنا بر قاعده‌ی دفاع، هر یک از مادر و جنین در چنین حالتی حق دارند که دیگری را بکشند و تبعاً ناتوانی جنین از استفاده از حق خود، مانع استفاده‌ی مادر از حق خود نمی‌شود و با این وصف، برای مادر جایز است که در چنین حالتی جنین را سقط کند.

اما آیا سقط جنین پس از پیدایش روح در آن، هرگاه بدون ضرورت شرعی و از روی عمد انجام شود، مستوجب قصاص است؟ در این باره دو احتمال است: یکی آنکه مستوجب قصاص است؛ چراکه جنین پس از پیدایش روح در آن، مصداق «النَّفْسِ» محسوب می‌شود و خداوند با اطلاق فرموده است: «وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ»^۳؛ «و در آن بر آنان نوشتیم که نفس در برابر نفس (قصاص می‌شود)»؛ خصوصاً با توجه به اینکه سقط جنین پس از پیدایش روح در آن، مستوجب دیه‌ی کامل است و دیه‌ی کامل به ازای قصاص تشریح شده است؛ چنانکه خداوند فرموده است: «وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا»^۴؛

۱. البقرة / ۱۸۵
 ۲. المائدة / ۶
 ۳. المائدة / ۴۵
 ۴. النساء / ۹۲

«و هر کس مؤمنی را از روی خطا بکشد باید یک برده‌ی مؤمن را آزاد و یک دیه را به خانواده‌ی او تسلیم کند مگر اینکه ببخشند» و دیگری آنکه مستوجب قصاص نیست؛ زیرا ﴿النَّفْس﴾ در سخن خداوند اطلاق ندارد، بل منصرف به کسی است که از مادر زاده شده و دارای حیات مستقل است، در حالی که جنین از خون مادر تغذیه می‌کند و تبعاً دارای حیات مستقل نیست، بلکه تا پیش از تولد جزئی از مادر محسوب می‌شود و با این وصف، اتلاف آن مانند اتلاف عضوی از مادر است؛ وانگهی وجوب دیه‌ی کامل در سقط جنین پس از پیدایش روح در آن، ثابت نیست؛ با توجه به اینکه روایات متواتر دیه‌ی آن را تا پیش از تولد، یک «غُرَّة» دانسته‌اند که معادل حدّ اکثر صد دینار است؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنِ دِيَةِ الْجَنِينِ، فَقَالَ: إِنْ كَانَ نُظْفَةً فَعِشْرُونَ دِينَارًا وَإِنْ كَانَ عِلْقَةً فَأَرْبَعُونَ دِينَارًا وَإِنْ كَانَ مُضْغَةً فَسِتُّونَ دِينَارًا وَإِنْ كَانَ عِظَامًا فَثَمَانُونَ دِينَارًا وَإِنْ كَانَ لَحْمًا فَمِائَةٌ دِينَارٍ حَتَّى يَسْتَهْلَ، فَإِذَا اسْتَهَلَ فَالْدِيَّةُ كَامِلَةٌ! قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَضَى فِيهِ بَعْرَةَ عَبْدٍ! قَالَ: إِنْ غُرَّةٌ عَبْدٍ تَكُونُ بِعِشْرِينَ دِينَارًا وَتَكُونُ بِمِائَةِ دِينَارٍ فَخُذْ مَا آتَيْتَكَ فَإِنَّمَا آتَيْتَكَ مِنْ عَيْنٍ صَافِيَةٍ لَمْ تُكْذَرْهَا أَيْدِي النَّاسِ»^۱؛ «از منصور درباره‌ی دیه‌ی جنین پرسیدم، پس فرمود: اگر نطفه باشد بیست دینار و اگر علقه باشد چهل دینار و اگر مضغه باشد شصت دینار و اگر استخوان باشد هشتاد دینار و اگر گوشت (بر روی استخوان) باشد صد دینار است تا آن گاه که بانگ زند (یعنی زنده متولد شود)، پس چون بانگ زد دیه کامل است! گفتم: آن‌ها می‌گویند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌ی آن به یک برده‌ی نوجوان حکم کرده است! فرمود: برده‌ی نوجوان گاهی به بیست دینار است و گاهی به صد دینار، پس چیزی که به تو دادم را اخذ کن؛ زیرا از چشمه‌ای زلال به تو دادم که دستان مردم آن را نیالوده است».

با این وصف، سقط جنین پس از پیدایش روح در آن، هرگاه بدون ضرورت شرعی و از روی عمد باشد، مستوجب قصاص نیست، بلکه مستوجب دیه و البته تعزیر است؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنِ رَجُلٍ ضَرَبَ بَطْنَ امْرَأَةٍ حَامِلٍ فَأَسْقَطَتْ، قَالَ: يَغْرِمُ دِيَّتَهُ وَيُضْرَبُ ضَرْبًا شَدِيدًا! قُلْتُ: أَفَلَا يُقْتَلُ بِهِ إِذَا كَانَ حَيًّا فِي بَطْنِهَا؟! قَالَ: لَا، لِأَنَّ لَهُ حَيَاةً غَيْرَ مُسْتَقِلَّةٍ»^۲؛ «از منصور درباره‌ی مردی پرسیدم که بر شکم زنی باردار زد پس (جنینش را) سقط کرد، فرمود: دیه‌ی آن را می‌پردازد و به سختی زده می‌شود!

۱. گفتار ۹۲، فقره‌ی ۱

۲. گفتار ۹۲، فقره‌ی ۲

گفتم: آیا در برابر آن کشته نمی‌شود هرگاه (جنین) در شکم زن زنده بوده باشد؟! فرمود: نه؛ زیرا برای آن حیاتی غیر مستقل بوده است».

خداوند را سپاس می‌گزاریم که ما را در برهوت حیرت و جهالت، از این آبشخور هدایت و علم بهره‌مند فرموده است و از درگاهش مسئلت داریم که ما را قدردان این نعمت و شکرگزار آن قرار دهد، در حالی که هنوز برخی در خواب غفلت به سر می‌برند و برخی دیگر در پی سراب‌ها دوانند!



پرسش فرعی ۱ | نویسنده: صابری | تاریخ: ۱۴۰۰/۱۰/۱۶

با توجه به پرسش و پاسخ ۱۷۴، جنین در شکم مادر در چند روزگی یا چند ماهگی دارای روح می‌شود؟

پاسخ به پرسش فرعی ۱ | تاریخ: ۱۴۰۰/۱۱/۱

خداوند در کتاب خود، آفرینش انسان در رحم مادر را دارای شش مرحله دانسته و پس از ذکر مرحله‌ی نخست که قرار گرفتن نطفه در جایگاهی محفوظ و مناسب است، فرموده است: ﴿ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾؛ «سپس نطفه را علقه ساختیم، پس علقه را مضغه ساختیم، پس مضغه را استخوان ساختیم، پس بر استخوان گوشت پوشاندیم، سپس آن را آفریده‌ای دیگر کردیم، پس بزرگ است خداوند که بهترین آفرینندگان است». مراد از «علقه»، خون غلیظ و جامدی است که به دیواره‌ی رحم چسبیده و آویخته است و مراد از «مضغه»، پاره‌گوشتی جویده‌مانند است که هنوز از نظر ظاهری شباهتی به انسان ندارد. این دو مرحله در اصطلاح پزشکی، «مرحله‌ی رویانی» نامیده می‌شوند که تا پایان ماه دوم ادامه می‌یابد. پس از آن، «مرحله‌ی جنینی» آغاز می‌شود. در این مرحله، سلول‌های استخوانی پدید می‌آیند و بافت استخوانی شکل می‌گیرد و سپس با استحکام روزافزون استخوان‌ها، بافت عضلانی هم رشد، نظم و استقرار می‌یابد، تا آن گاه که اندام، مغز و دستگاه عصبی جنین، کمال و تناسب لازم برای بر خورداری از روح را پیدا می‌کند. در این هنگام است که به قدرت و رحمت خداوند، به او روح بخشیده می‌شود و نتیجه و نشانه‌ی آن، آغاز حرکات ارادی است. از نظر پزشکی،

حرکات ارادی جنین، احتمالاً پس از ماه چهارم و در طول ماه پنجم آغاز می‌شود؛ چراکه مغز از هفته‌ی شانزدهم، وارد مرحله‌ی جدیدی از رشد خود می‌شود، تا اینکه از هفته‌ی هجدهم به بعد، توان تشکیل نورون‌های حرکتی را می‌یابد و این امکان را به جنین می‌دهد که حرکات آگاهانه داشته باشد. روایات رسیده از پیامبر و اهل بیت نیز گویای همین هستند که روح پس از چهارماهگی و در ماه پنجم در جنین دمیده می‌شود؛ چنانکه در روایت مشهوری از عبد الله بن مسعود رسیده است: «حَدَّثَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ الصَّادِقُ الْمَصْدُوقُ: إِنَّ أَحَدَكُمْ يُجْمَعُ خَلْقُهُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا، ثُمَّ يَكُونُ فِي ذَلِكَ عِلْقَةً مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ يَكُونُ فِي ذَلِكَ مُضْغَةً مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ يُرْسَلُ الْمَلَكُ فَيَنْفُخُ فِيهِ الرُّوحَ»^۱؛ «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که راستگو بود و به او راست گفته شده بود، ما را خبر داد: خلقت هر یک از شما در شکم مادرش در چهل روز به هم می‌رسد، سپس در آن به همین اندازه علقه است، سپس در آن به همین اندازه مضغه است، سپس فرشته فرستاده می‌شود و در او روح می‌دمد» و در روایتی از اهل بیت رسیده است: «إِذَا مَضَتْ الْخَمْسَةُ الْأَشْهُرُ فَقَدْ صَارَتْ فِيهِ الْحَيَاةُ»^۲؛ «هرگاه پنج ماه گذشت، در او حیات پدید می‌آید» و این به معنای آن است که روح پس از چهارماهگی و در ماه پنجم به جنین تعلق می‌گیرد. البته برخی کافران، منافقان و کسانی که در دل‌هاشان مرض است، اشکال کرده‌اند که حرکات جنین، از ماه نخست آغاز می‌شود و از این رو، اگر چیزی به نام روح وجود داشته باشد، در ماه نخست نیز موجود است و پس از چهارماهگی و در ماه پنجم پدید نمی‌آید، ولی واقعیت آن است که حرکات محدود و ضعیف جنین در چهار ماه نخست، آگاهانه و ارادی نیست، بلکه صرفاً حالت رفلکس دارد و تحت تأثیر محرک‌هایی در بدن مادر روی می‌دهد. این نکته‌ی مهمی است که علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی - این عالم عظیم الشأن - آن را تبیین فرموده است؛ چنانکه یکی از یارانش ما را خبر داد، گفت:

«قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: مَتَى يُنْفَخُ الرُّوحُ فِي الْجَنِينِ؟ قَالَ: إِذَا مَضَى عَلَيْهِ نِصْفُ الْحَمَلِ، قُلْتُ: إِنَّ الْأَطِبَّاءَ يَقُولُونَ أَنَّهُ يَتَحَرَّكُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ مِنْذُ الشَّهْرِ الْأَوَّلِ! قَالَ: إِنَّهُ يَتَحَرَّكُ فِيهِ بِغَيْرِ إِزَادَةٍ مِنْهُ، فَإِذَا مَضَى عَلَيْهِ نِصْفُ الْحَمَلِ يُنْفَخُ فِيهِ الرُّوحُ فَيَتَحَرَّكُ بِإِزَادَةٍ مِنْهُ، قُلْتُ: كَيْفَ يَتَحَرَّكُ فِيهِ بِغَيْرِ إِزَادَةٍ مِنْهُ وَلَا رُوحَ فِيهِ؟ قَالَ: يَتَحَرَّكُ بِرُوحِ أُمِّهِ، فَإِنَّهُ بَعْضُ جَسَدِهَا حَتَّى يُنْفَخَ فِيهِ الرُّوحُ»؛ «به منصور گفتم: چه زمانی در جنین روح دمیده می‌شود؟

۱. الفقه الأكبر لأبي حنيفة، ص ۱۰۷؛ جامع معمر بن راشد، ج ۱۱، ص ۱۲۳؛ مسند أبي داود الطيالسي، ج ۱، ص ۲۳۸؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۱۰، ص ۱۸۹؛ مسند ابن الجعد، ص ۳۷۹؛ مسند أحمد، ج ۶، ص ۱۲۵؛ صحيح البخاري، ج ۴، ص ۱۱۱؛ صحيح مسلم، ج ۸، ص ۴۴؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۹؛ سنن أبي داود، ج ۴، ص ۲۲۸؛ سنن الترمذي، ج ۴، ص ۱۵
 ۲. الكافي للكليني، ج ۷، ص ۳۴۶؛ من لا يحضره الفقيه لابن بابويه، ج ۴، ص ۱۴۴؛ تهذيب الأحكام للطوسي، ج ۱۰، ص ۲۸۴

فرمود: هنگامی که نیمی از حمل بر او گذشت، گفتم: پزشکان می‌گویند که او از ماه نخست در شکم مادرش حرکت می‌کند! فرمود: او در آن بدون اراده‌ای از خودش حرکت می‌کند، پس چون نیمی از حمل بر او گذشت، روح در او دمیده می‌شود، پس با اراده‌ای از خودش حرکت می‌کند، گفتم: چگونه در آن بدون اراده‌ای از خودش حرکت می‌کند، در حالی که روحی ندارد؟! فرمود: با روح مادرش حرکت می‌کند؛ چراکه او جزئی از جسد اوست تا هنگامی که روح در او دمیده شود».

پرسش فرعی ۲

نویسنده: علی

تاریخ: ۱۴۰۲/۳/۲۴

آیا غربالگری و آزمایش پزشکی برای تصمیم در خصوص سقط یا عدم سقط جنین، با وجود اینکه در آن احتمال خطا وجود دارد، جایز است؟ آیا حتی اگر این غربالگری و آزمایش پزشکی، برای والدین یقین ایجاد کند که فرزندشان عقب‌مانده یا دچار نقص عضو خواهد بود، آیا مجاز به سقط جنین هستند، تنها به این دلیل که در آینده به سختی نیفتند، یا زندگی فرزندشان خراب نشود؟

با تشکر از اساتید محترم

پاسخ به پرسش فرعی ۲

تاریخ: ۱۴۰۲/۴/۴

چنانکه در بالا توضیح داده شد، حفظ مادر از عسر و حرج در مواردی که جنین دچار معلولیت شدید ذهنی یا حرکتی است، می‌تواند ضرورتی شرعی برای سقط جنین پیش از دمیده شدن روح در آن باشد؛ با توجه به اینکه جنین پیش از دمیده شدن روح در آن، انسانی مستقل محسوب نمی‌شود، بلکه صرفاً جزئی غیر ضروری از بدن مادر محسوب می‌شود و از این رو، هرگاه برای او ضرر مهمی داشته باشد، می‌تواند آن را سقط کند؛ چراکه خداوند به صورت عام فرموده است: ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾^۱؛ «خداوند برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما سختی نمی‌خواهد» و فرموده است: ﴿مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ﴾^۲؛ «خداوند نمی‌خواهد که برای شما تنگنایی قرار دهد» و به صورت خاص فرموده است: ﴿لَا تُضَارُّ وَالِدَهُ وَلَا مَوْلُوهُ لَهُ بِوَلَدِهِ﴾^۳ و معنای آن به نظر بیشتر مفسران این است که «مادری نباید به سبب فرزندش زیان ببیند و نیز پدری به سبب فرزندش» و این معنا، زیان ناشی از معلولیت شدید ذهنی یا حرکتی او را شامل می‌شود

۱. البقرة / ۱۸۵

۲. المائدة / ۶

۳. البقرة / ۲۳۳



و رسول خدا صَلَّى الله عليه و آله و سلم نیز فرموده است: «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ»؛ «ضرر دیدن و ضرر رساندن در اسلام نیست».

این حکم موضوع است که از قرآن و سنت دانسته شد، ولی برای شناخت موضوع، باید به پزشک حاذق مسلمان مراجعه کرد و چاره‌ای جز مراجعه به او نیست و اگر مراجعه به یک پزشک موجب اطمینان نمی‌شود، باید به دو یا چند پزشک مراجعه کرد، تا اطمینان حاصل شود، بل احتیاط آن است که در صورت امکان، به تشخیص یک پزشک اکتفا نشود؛ چراکه خطای او بعید نیست.



بایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصورها شیخ خراسانی
مجلس ائمه مجتهدین و علمای بزرگوار



۱. موطأ مالك (رواية يحيى)، ج ۲، ص ۷۴۵؛ الخراج ليحيى بن آدم، ص ۹۳؛ مسند الشافعي، ص ۲۲۴؛ مسند أحمد، ج ۵، ص ۵۵؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۷۸۴؛ المراسيل لأبي داود، ص ۲۹۴؛ الأحاد والمثاني لابن أبي عاصم، ج ۴، ص ۲۱۵؛ مسند أبي يعلى، ج ۴، ص ۲۳۴؛ المجالسة وجواهر العلم لأحمد بن مروان الدينوري، ج ۷، ص ۲۵۹؛ المسند للشاشي، ج ۳، ص ۱۳۱؛ حديث شعبة لأبي بكر البزاز، ص ۶؛ المعجم الأوسط للطبراني، ج ۱، ص ۹۰، ج ۵، ص ۲۳۸؛ الكافي للكليني، ج ۵، ص ۲۸۰ و ۲۹۳؛ دعائم الإسلام لابن حيون، ج ۲، ص ۴۹۹؛ سنن الدارقطني، ج ۴، ص ۵۱؛ من لا يحضره الفقيه لابن بابويه، ج ۳، ص ۷۶؛ المستدرک علی الصحیحین للحاکم، ج ۲، ص ۶۶؛ تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۷، ص ۱۴۷

www.alkhorasani.com

بایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصورها شیخ خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.